

Abadan Urban Engineering, In the aftermath of the epidemic after World War I.

Robabe Motaghedi*

Abstract

This study aims to show the effects of diseases on lifestyle and the form of the place of residence during the previous century through a case study of the formation of the new city of Abadan. Has the frequent epidemic of cholera and plague in the years 1287-1303 / 1908-1924 AD in the oil areas, and especially the city of Abadan, had an effect on the change of urban engineering and urban renewal in this geographical area? This research seeks to find a clear answer to this question. The research method in this research is descriptive and analytical and has used records and documents of the National Archives and the archives of the Anglo-Iranian Oil Company and the Ministry of Foreign Affairs and library resources as research tools. Research Achievements and Findings: Based on the results of this research, cholera and plague had a direct impact on the formation of the new city of Abadan and the form and functions of the new houses of the company had affected the habits, social relations, and livelihood of the residents. The occupants of these houses had experienced physical differences in the new housing and these differences affected the components of their lifestyle

Keywords: Abadan, Infectious Diseases, Anglo, Iranian Oil Company, Urban Engineering.

* Assistant professor in The National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran,
robabe.motaghedi@gmail.com

Date received: 09/06/2021, Date of acceptance: 01/11/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مهندسی شهری آبادان در دوران بیماری‌های واگیر پس از جنگ جهانی اول

ربابه معتقدی*

چکیده

این پژوهش با هدف به‌نمایش درآوردن تأثیر بیماری‌ها بر سبک زندگی و شکل محل سکونت در طول یک سده پیشین، به مطالعه موردی شکل‌گیری شهر جدید آبادان می‌پردازد. آیا همه‌گیری مکرر بیماری وبا و طاعون در سال‌های ۱۲۸۷-۱۳۰۳ ش/ ۱۹۰۸-۱۹۲۴م در مناطق نفتی و به‌ویژه شهر آبادان تأثیری بر تغییر مهندسی شهری و نوسازی شهری در این حوزه جغرافیایی داشته است؟ این پژوهش در پی یافتن پاسخی روشن بر این پرسش است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و از اسناد و مدارک آرشیو ملی، آرشیو شرکت نفت انگلیس و ایران، آرشیو وزارت امور خارجه و منابع کتابخانه‌ای به‌عنوان ابزار پژوهش بهره گرفته است.

دست‌آورد و یافته‌های پژوهش: براساس نتایج تحقیق، بیماری‌های وبا و طاعون بر شکل‌گیری شهر جدید آبادان تأثیر مستقیم داشته و شکل و کارکرد مسکن شرکتی جدید بر عادات، روابط اجتماعی و معیشت ساکنان تأثیر گذاشته است. ساکنین این خانه‌ها تفاوت‌های کالبدی را در مسکن جدید تجربه کردند و این تفاوت‌ها مؤلفه‌های سبک زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داد.

کلیدواژه‌ها: آبادان، بیماری‌های واگیر، شرکت نفت انگلیس و ایران، مهندسی شهری.

* استادیار پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران،

robabe.motaghedi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

در طول صدسال پیش بیماریهای وبا و طاعون و آبله و آنفلونزا و تیفوس مرگ بسیاری از مردمان را در سپهر جهانی رقم زدند. این بیماریها با وقوع جنگ جهانی اول و دوم تشدید شدند. جابه‌جایی سربازان در جبهه‌های جنگ و مهاجرت مردم جنگ‌زده و قحطی‌های برخاسته از جنگ همگی در همه‌گیری بیماریها نقش داشت. ایران نیز اگرچه در هر دو جنگ اعلام بیطرفی کرد اما از نتایج جنگ و بیماریهای واگیر بی‌نصیب نماند. بیماری‌های واگیر به‌خاطر رفت و آمد اتباع خارجی، مهاجران داخلی و سربازان متفقین در مناطق مرزی کشور بیش از مرکز شیوع پیدا کرد. بیماریهایی که در منطقه خوزستان و مناطق نفتی به‌شکل همه‌گیر مردم را مبتلا کرد شامل آنفلونزای اسپانیایی، آبله، وبا، طاعون، سفلیس و تیفوس بود. از آنجا که خوزستان سرزمین نفتخیز و مهاجرپذیر بود، بیماریهای واگیر موجب رنج و مرگ‌ومیر بسیار شده بود. در اوج مبارزه با شیوع بیماریهای همه‌گیر در آبادان و مناطق نفتی، شرکت نفت انگلیس و ایران دست به بازسازی شهرهای مسجدسلیمان و آبادان زد. آیا شیوع بیماریهای عفونی همه‌گیر و نگرانی مدیران شرکت نفت از تأثیر بیماری‌ها بر منافع نفتی بریتانیا بر این تصمیم‌گیری اثر داشت؟ آیا بازسازی و مهندسی شهری آبادان بر سبک زندگی مردم ساکن در این منطقه تأثیر داشت؟ آیا سازماندهی شهر و جداسازی محله‌های کارگری و کارمندی و مدیران، برای پیشگیری از فراگیری بیماری‌ها بود؟ این مقاله با تکیه بر اسناد می‌کوشد تا دریابد آیا هدف شرکت نفت برای بازسازی شهری آبادان، رعایت اصول بهداشتی و پیشگیری از شیوع بیماری‌ها بوده است؟

منابع زیادی به موضوع بیماریهای واگیر در سال‌های مورد بحث پرداخته‌اند و از میان کتاب‌ها و مقالاتی که مربوط به تأسیس شهر آبادان و بازسازی مسجدسلیمان در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ش / ۱۹۲۳-۱۹۲۴م. هستند، توجهی به موضوع نقش بیماری وبا و طاعون در مهندسی شهری نشده است. کاوه احسانی در کتاب خود (The Social History of Labor in the Iranian Oil Industry) به تأثیر بهداشت عمومی و مدرنسازی شهر آبادان در بازسازی‌های بازار و محله‌های آبادان اشاره کرده است اما اینکه بیماریهای طاعون و وبای ۱۹۲۳-۱۹۲۵م. یکی از انگیزه‌های بازسازی شهر آبادان بوده است، موضوعی است که به آن توجهی نشده است. همچنین در کتاب جامعه‌شناسی آبادان نوشته عبدالعلی لهسایی‌زاده درباره تلاش شرکت نفت انگلیس و ایران در پیشگیری از سرایت بیماریها در آبادان و

مسجدسلیمان توجه شده اما به بیماریهای سالهای پس از جنگ جهانی اول و تأثیر آن در بازسازی و مدرنسازی آبادان نپرداخته است. کتاب نفت و زندگی که به تفصیل به نوسازی آبادان در سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ م. پرداخته است، بیشتر به موضوع بهداشت عمومی توجه کرده است. اما این پژوهش به نقش شیوع بیماری وبا و طاعون از سوی کارگران خارجی صنعت نفت در آبادان و مناطق نفتی در جنوب ایران در سالهای پس از جنگ جهانی اول به‌عنوان یکی از دلایل نوسازی آبادان و مسجدسلیمان توجه نکرده است.

شیوع بیماری‌های مسری یقیناً بر شکل و چهره معماری شهرهایی همچون آبادان و مسجدسلیمان در صدسال اخیر تأثیر بسزایی داشت. تجربه مردم و مسئولان شرکت نفت از همه‌گیری بیماریها؛ موجب تقویت ایده‌هایی شد که مانع بروز یا گسترش بیماری‌های احتمالی در آینده می‌شد. آلودگی‌ها و خانه‌های آلوده به بیماری؛ تخریب و سوزانده می‌شدند و اجازه ساخت مسکن دوباره در آن محل به صاحبان آن داده نمی‌شد. برای خروج فاضلاب از محله‌ها نیز تمهیداتی اندیشیده شد. برای بهداشت و تصفیه آب آشامیدنی برنامه‌ریزی و هزینه شد. محله‌ها با توجه به موقعیت و شغل ساکنین آن مرزبندی شد. قرنطینه‌ها و مراکز درمانی اهمیت بیشتر یافت. خیابان‌های پهن و کانال‌های آب و فضاهای عمومی شهری و ساختمان‌هایی با توالت‌ها و حمام‌های اختصاصی در دستور کار مهندسين عمران شهری قرار گرفت. با وجود مقاومت عموم مردم، نقشه‌های از پیش تعیین شده شرکت نفت؛ جایگاه هر قشر و گروه از ساکنین شهر را معلوم کرد. شکل، اندازه خانه‌ها و محله‌های مسکونی خانه‌ها و اماکن عمومی بر نوع تعامل افراد اثر گذاشت.

مستندات این تئوری، اسناد و مدارک موجود در آرشیو شرکت نفت انگلیس و ایران و آرشیو ملی ایران است که در این پژوهش مبنای کار قرار گرفته و به برخی از آن‌ها ارجاع داده شده است.

۲. بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون در مناطق نفت‌خیز ایران

بیماری‌های همه‌گیر بارها در بنادر جنوبی ایران موجب مرگومیر شده بود. شیوع بیماری‌ها معمولاً از طریق کشتیهای مسافربری در آبهای خلیج فارس اتفاق می‌افتاد. بیماریهای واگیر غیربومی اغلب از مرزها و به‌ویژه از خلیج فارس و سواحل جنوب به ایران وارد می‌شدند. دولت انگلستان که علاوه بر منافع تجاری، بتازگی صنعت نفت را نیز در جنوب ایران و

سواحل خلیج فارس داشت؛ در تلاش بود تا برای جلوگیری از شیوع بیماریهای واگیر قرنطینه و معاینه مسافران را برقرار کند. اما با مقاومت و مخالفت سخت مردم روبه‌رو بود. البته رفتار تبعیض‌آمیز نیروهای انگلیسی در برقراری قرنطینه و اجازه دادن به مسافران اروپایی به عبور از قرنطینه بدون رعایت محدودیتها و معاینات پزشکی نیز عاملی بر افزون‌شدن نارضایتی مردم و عدم همراهی آنان بود. (الگود، ۱۳۵۲: ۷۵۱) بنابراین مرزها و به‌ویژه مرزهای جنوبی کشور که محل پیاده شدن مسافران هندی و اروپایی و ایرانی از کشتی‌ها بود معمولاً بیش از بقیه مناطق شاهد بیماریهای واگیر بود. همچنان که بیماری آنفلونزای اسپانیایی در سالهای پایانی جنگ جهانی اول نیز بیشترین رد پا را در این منطقه از خود به‌جا گذاشت (Afkhani, ۲۰۰۳: ۳۶۷-۳۹۲). و با اگرچه بیماری بومی نبود، اما بارها در ایران شایع شده بود. در طول قرن نوزدهم میلادی از طریق بین‌النهرین و هندوستان و روسیه چندین بار شاهد همه‌گیری و با بودیم (سیاح، ۱۳۵۹: ۵۳۵). یکی از این موارد، همه‌گیری و با در سال ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م بود که از مکه به مصر و بصره و سپس به ایران وارد شد و کشتار بسیار زیادی کرد (ناطق، ۱۳۵۸: ۳۵). در سال ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م. در بین‌النهرین مواردی از ابتلا به این بیماری شناسایی شد. ایجاد ایستگاه قرنطینه در قصر شیرین اولین اقدام صحیه کل مملکتی برای کنترل شیوع بیماری بود. افراد بدون مایه‌کوبی و با نمی‌توانستند از مرز عبور کنند. انتقال اجساد مردگان به عتبات و سفرهای زیارتی نیز ممنوع شد؛ اما بیماری به مسجد سلیمان و آبادان رسید. همه‌گیری در ۱۸ مرداد/ ۹ اوت تا ۱۲ آبان / ۳ نوامبر در این شهرها ادامه داشت (گیلمور، ۱۳۵۴: ۶۲). در ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م. در طول ماه‌های مرداد تا شهریور فقط در آبادان بیش از ۲۰۰۰ نفر مبتلا به این بیماری شدند که ۹۱۳ نفر از آنان مردند. از این تعداد بیش از ۷۰ نفر از مردگان مستخدم شرکت نفت انگلیس و ایران بودند. (RCA ۱۲۹۲۶۳, VP (service) ۱۹۴۶ Report (Medical and health)

طاعون: پیشینه شیوع بیماری طاعون در ایران زیاد نیست. در طول قرن نوزدهم چند بار این بیماری در سواحل دریای خزر و شمال خراسان دیده شد که احتمالاً از روسیه انتقال یافته بود اما به طور فراگیر بقیه کشور را درگیر نکرد و تلفات وسیعی هم نداشت. گسترده‌ترین شیوع بیماری طاعون در سال ۱۲۸۵ ش/ ۱۹۰۶ م. در سیستان رخ داد که توسط مسافران هندی وارد شده بود و تلفات آن ۱۴۰۹ نفر گزارش شد (گیلمور، ۱۳۵۴: ۵۸). اما

در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۴ با توجه به فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفتی خوزستان از شیوع دوباره بیماری طاعون گزارشات مکرر در دست است. احتمالاً بیماری طاعون در ۱۹۲۳-۱۹۲۴م. از جزایر بحرین و توسط کشتی‌های مسافربری در خلیج فارس و کارگران هندی شرکت نفت به خوزستان رسیده بود (آرشیو ملی ایران، ۲۹۳۰۳۲۷۷).

گزارشی وجود دارد که در آن ناصری (اهواز) ۷۹ مبتلا و ۴۳ مرگ را شاهد بوده است و آبادان ۴۸۱ مورد ابتلا به طاعون و تعداد ۴۰۹ نفر تلفات داشته است.^۱ احتمالاً بیماری طاعون در سالهای جنگ جهانی اول تا آغاز حکومت رضاشاه پهلوی محدود به جغرافیای مناطق نفتی بوده و به احتمال بیشتر به دلیل رفت و آمد کارگران مهاجر از هند این بیماری شایع می‌شده است. بیماری طاعون در اوایل سال ۱۳۰۲ش. در مناطق نفتی آبادان و محمره فراگیر شد. شرکت نفت تلاش کرد تا بیماری را با برقراری قرنطینه کنترل کند (الگود، ۱۳۵۲: ۸۲۲). اما در خرداد ۱۳۰۲ش. مواردی از ابتلا به بیماری طاعون در شوشتر و اهواز نیز مشاهده شد (آرشیو ملی ایران، ۲۹۰۴۷۰۸). حکومت خوزستان از وزارت داخله درخواست دارو و پزشک کرد و یادآور شد که وسایل نظیف و بهداشت عمومی باید مهیا شود تا بیماری مهار شود. بیش از یک ماه بیماری در مناطق نفتی تاخت و از صحنه کل مملکتی امدادی نرسید. درمانگاه و کادر درمانی شرکت نفت واکسن ضد طاعون و امکانات بهداشتی در اختیار بیماران و مردم گذاشت و حکومت محلی نیز بیماران را در محاصره و قرنطینه قرار داد تا از سرایت بیماری جلوگیری کند (آرشیو ملی ایران، ۲۹۰۴۷۰۸). شرکت نفت با تله‌گذاری برای موش‌های ناقل بیماری و استخدام تعدادی شکارچی موش اقدام ضربتی برای مهار بیماری را آغاز کرد. (ARC ۱۲۹۲۶۳، ۱۹۴۶) واکسینه کردن کارکنان نفت حرکت همزمان بعدی بود که نسبتاً با موفقیت انجام شد. ۴۵۳۴ نفر در این سال در آبادان مایه‌کوبی شدند. اما دولت انگلستان که در هند نیز با همین مشکل مواجه بود، برای کنترل بیماری به تمهیدات بیشتری اندیشید. اگرچه پیش ازین هم در هنگام همه‌گیری بیماری‌ها، حکمرانان بنادر جنوب سوزاندن لباس بیماران و دفن مردگان در خارج از شهرها را پذیرفته بودند (الگود، ۱۳۷۱: ۵۶۹) اما علاوه بر این اقدامات در مناطق نفتی به محض بروز یک مورد ابتلای به بیماری، تمام افراد منزل به مدت ده روز تحت قرنطینه قرار می‌گرفتند. خانه‌های متعلق به شرکت نفت (احتمالاً خانه‌های کارکنان خارجی و نه منازل همه کارگران) ابتدا بوسیله دود سولفور و سپس با آب آهک و بالاخره با SO₂

ضد عفونی شدند. بیشتر موارد ابتلا در کلبه‌های حصیری و کپر‌ها مشاهده می‌شد. به محض مشاهده یک مورد بیماری مقررات زیر انجام می‌شد:

۱. جدا کردن و قرار دادن کلیه افراد خانواده بیمار و ائاثیه در محل مخصوص؛
۲. نابود کردن کلبه و کپر پس از پاشیدن نفت خام برای از بین بردن کک و ساس؛
۳. ضد عفونی لباس مبتلایان پیش از ترک بیمارستان؛
۴. پرداخت غرامت به صاحب کپر؛
۵. ممنوع کردن احداث خانه در محل کپر سوزانده شده.

در قبرستانها مأمورین از دفن اجساد بدون گواهی پزشک جلوگیری می‌کردند و بدین وسیله مردگان طاعون شناسایی شده و نزدیکان آنها تحت مراقبت قرار می‌گرفتند. حتی برای تفتیش زنان مرده یک مأمور زن استخدام شده بود (گیلمور، ۱۳۵۴: ۵۸-۵۹). در همین سال بیماری وبا نیز در بغداد و عراق عرب شایع شد.

در ماه اردیبهشت ۱۳۰۳ ش. مؤیدالدوله حکمران خوزستان در تلگرام رمزی به وزارت داخله خبر از شیوع ناگهانی و دوباره طاعون داد و درخواست دارو و پزشک فوری نمود (آرشیو ملی ایران، 2900095) پس از آن بلافاصله خبر بیماری از مسجد سلیمان نیز رسید و سپس بیماری طاعون از قشم تا کرمان را درنوردید (آرشیو ملی ایران، ۲۴۰۷۴۹۳۰). شرکت نفت همزمان با تلاش در مهار بیماری برای تغییر فضا و عمران آبادان اقدام کرد. اگرچه مقامات مسئول قرنطینه سعی در جلوگیری از انتشار این بیماری در ایران داشتند، اما وبا در محمره و عبادان همه گیر شد (آرشیو ملی ایران، ۲۹۰۰۰۴۷۰۸). رئیس کل قرنطینه خلیج فارس در تاریخ ۲ می ۱۹۲۳ م. خبر از شیوع وبا در محمره، عبادان و چاه بهار داد (آرشیو ملی ایران، ۲۹۰۰۰۴۷۴۷). بلافاصله قرنطینه برای تمام کسانی که از این بنادر و محمره وارد ایران می شدند برقرار شد. (آرشیو ملی ایران، ۲۹۰۰۰۴۷۴۷). با این همه تمهیدات طبق آمار رسمی ۹۱۱ تن در اثر ابتلا به این بیماری در آبادان جان سپردند (فلور: ۱۷). اگرچه با احتساب مردگانی که پنهانی دفن می‌شدند، تعداد مردگان بیش این بود (ARC، ۱۲۹۲۶۳، ۱۹۴۶). کمبود آب آشامیدنی و آلودگی منابع آب نیز مشکلات بهداشت عمومی را افزون کرده بود. مردم از آب رودخانه‌های که از وسط شهر می‌گذشت استفاده می‌کردند (J. D. M, Baillie. 3). اگر چه چند تلمبه و منابع آب آشامیدنی توسط شرکت نفت در چند محل مختلف تعبیه شده بود؛ اما گاه مدیران شرکت نفت؛ استفاده از

آن را برای مردم شهر ممنوع می‌کردند و به این طریق از آنها بیشتر به عنوان اهرم فشار استفاده میشد. ایجاد آلودگی‌هایی نظیر کشتن گوسفندان در معابر و خیابانها جریمه نقدی و تنبیه بدنی داشت (مجلس شورای اسلامی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳). اگر فردی دچار بیماری مسری می‌شد خانه‌های اطراف ضدعفونی شده و لوازم بیمار را سوزانده و خانه تخریب و بیمار به قرنطینه فرستاده می‌شد (فلور: ۲۴). اگر فردی در یک کپر یا خانه کارگری فوت می‌کرد، چند کپر اطراف و خانه متوفی همگی آتش زده میشدند. بنابراین بسیاری اوقات مرگ افراد از سوی خانواده و بستگان پنهان شده و متوفی را به‌صورت پنهانی و حتی در داخل کپر به‌خاک می‌سپردند. بیماریهای طاعون، وبا و آبله شامل این قانون میشد و چنانچه فرد بیمار از قرنطینه سالم بیرون می‌آمد، اجازه بازسازی کپر در محل قبلی را نداشت بلکه می‌بایست محل جدیدی برای احداث مسکن در نظر می‌گرفت (مجلس شورای اسلامی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳)

درگیری مناطق نفتی با بیماریهای طاعون و وبا در این سال لزوم اقدامات پیش‌گیرانه شرکت نفت را بیشتر روشن می‌کند. اما شیوه ایزولاسیون و سوزاندن کپر و لوازم منزل بیماران و افرادی که به مرض مسری مبتلا و فوت می‌شدند، اعتراضات بسیار جدی کارگران و کسبه به کادر خدمات بهداشتی شرکت نفت را در پی داشت (مجلس شورای اسلامی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳)

هنگامی که رؤسای شرکت نفت تصمیم گرفتند عوارضی در مقابل خدماتی هم‌چون تزریق سرم ضد طاعون و برقراری قرنطینه و آتش زدن کپرهای مبتلایان به بیماری و گندزدایی (آرشیو ملی ایران، ۲۹۰۰۰۴۷۴۷) از مردم دریافت کنند؛ اهالی آبادان و خرمشهر و مسجدسلیمان دست به اعتراض و مقابله با شرکت نفت زده و به دولت مرکزی شکایت کردند.

هم‌چنین کارگران از تبعیض شرکت نفت بین کارکنان خارجی و کارگران ایرانی نیز شکایت داشتند و خدمات بیشتر پزشکی و بهداشتی را طلب می‌کردند. دولت ایران اعتراضات و شکایات کارگران و ساکنان آبادان را به مدیران شرکت نفت انتقال داد. شرکت نفت اما این اعتراضات را رد کرد و اعلام کرد که در سال ۱۹۲۳م. تعداد ۸۴۴۱۱ بیمار در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های مناطق نفتی درمان شده‌اند. خدمات پزشکی و درمانی شرکت نفت بسیار عالی و رایگان بوده و سرویس صحی کمپانی در بیمارستان‌ها و

پست‌های امدادی کم و کسری از دیگر بیمارستانهای کشور ندارد و کاملاً برای کارگران و ساکنان مناطق نفتی کفایت می‌کند. همچنین تأکید کرد که خدمات درمانی برای کارکنان اروپایی و ایرانی یکسان است (آرشیو ملی ایران، 2400014651).

۳. آغاز برنامه‌ریزی و مهندسی شهری آبادان

تا سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م. شهر آبادان بسیار ناموزون و بی‌برنامه رشد یافته بود. فضای شهری شامل محله‌های کارگری در کنار محله‌های متعلق به کارمندان کمپانی با بازاری بی‌نظم و کپرهایی در گوشه و کنار می‌شد. رودخانه کارون که از وسط شهر می‌گذشت، هم محل دفع زباله و فاضلاب و هم مکان بازی کودکان و شستشوی وسایل و لوازم خانواده‌ها شده بود. کارگزار وزارت امور خارجه بارها از وزارت خارجه تقاضا کرد تا نقشه‌ای برای تأسیس شهر ارائه شود تا شکل و معماری همگون و زیبایی‌تری به شهر بدهد و یا لاقط مهندس یا مهندسی بر انجام ساخت و ساز در شهر آبادان نظارت داشته باشند (وزارت امور خارجه ایران: ۱۳۳۲GH-۴۳-۵۷-۲۹۶) که با بی‌تفاوتی حکومت وقت مواجه شد.

شیوع بیماری‌های واگیر همزمان با گسترش شرکت شهر آبادان و حساسیت مدیریت جدید بر روی شکل و مهندسی عمران شهری در این جزیره، سبب شد تا مدیران شرکت نفت برنامه‌ریزی شهری تازه‌ای داشته باشند. از ۱۹۱۰م. که شهر آبادان شکل گرفته بود تا سال ۱۹۲۳م. به جز ساختمان‌های اداری شرکت، کارگاه‌های تراش‌کاری، آهن‌گری و... و پالایشگاه و بنگاه‌ها، بیمارستانها و باشگاه‌های کارمندی و ساختمان‌های خوابگاهی هندیان، بقیه شهر و اهالی برای مدیران شرکت نفت اهمیتی نداشت. این‌که چگونه ساخت و ساز انجام بگیرد، مصالح ساختمانی چه باشد، کوچه‌ها و خیابان‌ها و مهندسی آن چگونه باشد، هیچکدام مسئله‌ای نبود که بتواند توجه مسئولین شرکت نفت را در این سال‌ها به خود جلب کند. این رشد ناموزون شهر و بی‌ترتیبی بناهای کارگری و کسبه در اطراف پالایشگاه و محله‌های مخصوص شرکت نفت، بارها مورد اعتراض و انتقاد کارگزاری خوزستان و خرمشهر نیز قرار گرفته بود (وزارت خارجه ایران: ۱۳۳۲GH-۴۳-۵۷-۱۹۶).

مردم ساکن در آبادان به رفتار تبعیض‌آمیز شرکت نفت اعتراض داشتند. آن‌ها شرکت نفت را متهم به تفاوت گذاشتن در خدمات به کارگران ایرانی و خارجی می‌کردند. در

عریضه‌ای به مجلس شورای ملی آمده است: «منازل انگلیسیها عمارات عالی و تماماً گل کاری و دارای مبل‌های تمیز، منازل ایرانی‌های کارگر کمپانی، کپرهایی است که از حصیر بوریایی خودشان ساخته‌اند. محل کپرها در اماکن متعفن است» (مجلس شورای ملی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳). این وضعیت خانه‌ها و سرپناه ساکنین تازه وارد جزیره در سال ۱۳۰۳ ش. بود. شرکت نفت انگلیس و ایران ریشه مشکلاتی که در آبادان در همه‌گیری وبا و طاعون سال ۱۳۰۲ و سپس ۱۳۰۳ به وجود آمده بود را در بی‌برنامه بودن توسعه فضای مسکونی کارگری آبادان دیده‌بود. نداشتن فاضلاب و ورود آبهای آلوده به فضاهای عمومی و سطح کوچه‌ها، نداشتن آب آشامیدنی پاکیزه لوله‌کشی و آلودگی بازار و فروشگاه‌های مواد غذایی و تفاوت میان خدمات و امکانات درمانگاه‌های ایرانی و بیمارستان‌های کارکنان خارجی همگی حاصل بی‌توجهی مدیران شرکت نفت به اوضاع زندگی کارگری و نگاه تبعیض‌آمیز به کارمندان و مهندسان غیرایرانی در مقایسه با کارگران ایرانی بود. این موضوع بارها موجب شکایات و عریضه‌نویسی کارگران ایرانی شده بود اما نه دولت گرفتار قاجار تلاشی برای بهبود شرایط کرده بود و نه شرکت نفت اشتیاقی برای پاسخگویی به این قبیل شکایات داشت.^۲

پس از نقش مهمی که نفت ایران در پیروزی متفقین در جنگ جهانی اول ایفا کرد، اولیای شرکت نفت که برنامه‌های درازمدت برای منابع نفتی داشتند باید شیوه مدیریتی خود را تغییر میدادند. افزون بر آن، تغییر روش و اندیشه سیاسی در انگلستان و به قدرت رسیدن سیاست‌مدارانی که معتقد به توجه بیشتر به کارگران و ارائه خدمات بهداشتی و معیشتی به طبقات فرودست بودند نیز بر تحول رفتار مدیریتی شرکت نفت اثر گذاشت. همه‌گیری بیماری وبا و طاعون که در پایان جنگ جهانی اول و سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ در مناطق نفتی همه‌گیر شده بود و به منافع شرکت نفت نیز آسیب بسیار وارد کرده بود نیز مزید بر علت شد. به‌ویژه اینکه همچنان احتمال سرایت این بیماری‌ها از هند و توسط کارگران مهاجر هندی شرکت نفت به سرزمین نفتخیز جنوب مطرح بود. همه این عوامل سبب شد تا شرکت نفت در بازسازی و نوسازی آبادان و مسجدسلیمان سرعت عمل بیشتری نشان دهد. مردم ساکن در آبادان و مسجدسلیمان با وجود وابستگی کاری و مالی به شرکت نفت، به‌شدت با برنامه نوسازی و تخریب کپرها و آلودک‌هایشان مخالفت کردند و از دولت تازه سردار سپه خواستند تا مدافع حقوقشان باشد. وزارت تجارت و فلاح و فواید عامه میانجی اختلاف میان ساکنان مناطق نفتی و شرکت نفت شد و کوشید تا توافقی

میان آن دو برقرار کند تا هم مردم رضایت پیدا کنند و هم ملاحظات حفظالصحه عمومی پزشکان و ماموران شرکت نفت در نظر گرفته شود.

عده‌های از اهالی آبادان برسر اختلاف در تخریب مغازه‌ها و ساخت بازار جدید توسط انگلیسی‌ها و تخلیه خانه‌ها و مساکن سابق خود با مسئولین شرکت نفت و حکومت محلی خوزستان درگیری پیدا کردند (آرشیو ملی ایران: ۹۲۵۳-۲۴۰). تعدادی از کسبه مسجد سلیمان نیز وکیلی گرفتند و به تهران فرستادند تا در مجلس از حقوق آنها دفاع کند. تغییر و اصلاح نقشه شهری، آسفالت خیابانها، تهیه بازار و دکان برای کسبه و گرفتن عوارض از آنها برای زیباسازی و خدمات شهری، ایجاد فضای سبز، لوله کشی آب تصفیه‌شده، برقراری برق برای تمام ساکنین، دفع بهداشتی فاضلاب شهری، ساختن جاده‌های منتهی به آبادان همگی کارهایی بود که برای بهداشت عمومی شهری لازم بود انجام گیرد. موضوع تخلیه و هدایت فاضلاب به بیرون شهر مشکل اغلب شهرهای این سالهای ایران بود. در نقشه‌های که شرکت نفت تهیه و به هیأت دولت فرستاد، خیابان‌هایی که فاقد فاضلاب و راه آبرو بود با رنگ زرد نمایش داده شد. نقشه پیوست: (آرشیو ملی ایران، ۲۴۰۰۳۱۲۴).

پس از مهار بیماری آبله و طاعون در مناطق نفتی، شرکت نفت مصمم شد تا برای پیش‌گیری بروز و شیوع بیماری به اوضاع بهداشتی و پاکیزگی شهرکها بیشتر رسیدگی کند. برای تأمین هزینه‌های خدمات صحتی و بلدییه از ساکنین منطقه مبلغی مالیات دریافت می‌شد (آرشیو ملی ایران، ۲۴۰۰۹۲۵۳). علاوه بر کارگران شرکت نفت که در محله‌های مخصوص زندگی می‌کردند، کسبه و صاحبان مشاغل جانبی که در اطراف شهرکهای نفتی ساکن شده بودند، نیز موظف به پرداخت این مالیات بودند (آرشیو ملی ایران، ۲۴۰۰۹۲۵۳). این محله‌ها به لحاظ بهداشتی وضعیت مطلوبی نداشتند و لازم بود، خدمات شهری و بهداشتی شرکت نفت شامل حال آنان نیز باشد تا آلودگی و بیماری تحت کنترل درآید. ضعف عملکرد حکومت مرکزی و ادارات حکومت محلی، دست مدیران آن شرکت را برای راه‌اندازی تشکیلات سیاسی و مدنی بازگذاشته بود و آنان هم بهره لازم را از این فرصت می‌بردند. در سال ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۵م. وزارت مالیه با اختصاص بخشی از عایدات نواقل^۳ برای تعمیر معابر و نظافت شهرها موافقت کرده بود اما وصول این مالیات در طول سالهای جنگ از مردم بسیار دشوار بود و اتباع خارجی نیز اغلب با حمایت

کنسول‌گری‌هایشان از پرداخت این مالیات معاف میشدند (وزارت امور خارجه ایران: ۱۳۳۴GH-۲۵-۱-۲۵).^۴ بنابراین موضوع نظافت و بهداشت شهرها همچنان بلا تکلیف و بی‌برنامه مانده بود. اوضاع در شهرهای تازه تأسیس نفتی بدتر از بقیه شهرها بود. بیش از ۲۵۰۰۰ نفر در مجاورت ساختمانهای شرکت نفت ساکن شده بودند که هیچ برنامه‌ریزی برای فاضلاب و جوی‌های آب باران و انتقال زباله‌های ایشان وجود نداشت. شرکت نفت در قسمت‌های مسکونی و تأسیسات نفتی متعلق به خودش امکانات و خدمات بهداشتی ارائه کرده بود، اما مجاورت با محله‌های متعلق به کسبه و کارگران روزمزد و سایر مشاغل حومه‌نشین، موجب سرایت آلودگی و بیماری‌ها می‌شد. شرکت نفت مصمم بود تا با کمک مالی و تقویت بلدیه آبادان، برای نظیف و بهداشت شهر به طور عمومی برنامه‌ریزی کرده و اوضاع بهداشت شهری را تحت کنترل درآورد. برنامه شرکت نفت برای نوسازی آبادان چنین بود:

۱. بنای مجانی کلیه مستراح‌های لازمه در شهر بدون آن‌که خرجی متوجه دولت ایران بشود.
۲. بنا و ایجاد کلیه مراکز لازمه برای دفع و سوزاندن زباله‌ها.
۳. تهیه محل‌های مناسب برای زباله و گذاردن آن‌ها در محل‌های مناسب در تمام شهر.
۴. قرض دادن سرویس آتشنشانی شرکت در مواقعی که حریق شهر روی می‌دهد تا آن‌که بلدیه مزبور محتاج به ایجاد و نگهداری چنین سرویسی نباشد و مخارج آن صرفه‌جویی شود.
۵. توسعه تسهیلات شرکت درعین حال برای جدا نگه داشتن و قرنطینه کردن مرضیایی که مبتلا به امراض مسریه میشوند...» (آرشیو ملی ایران، ۲۴۰۰۰۹۲۵۳).

۴. تخریب محله‌های تهی‌دستان در آبادان

بخش بزرگی از منازل مسکونی که بنا به نظر مدیران شرکت نفت و اطباء و مأمورین صحی کمپانی مزاحم اجرای برنامه نوسازی آبادان بود، با اجازه وزارت تجارت و فلاحه و فواید عامه و پس از درگیریهای بسیار زیاد میان ساکنین و اهالی آن محله‌ها با مأمورین شرکت، تخریب شد و هم چنین شرکت نفت موفق شد، مجوز ساختن بازاری با رعایت اصول

صحنی و بهداشتی و گرفتن مالیات صحنی از مردم آبادان را از دولت بگیرد (آرشیو ملی ایران، ۲۴۰۰۰۹۲۵۳).

با تخریب و بازسازی محله‌های آبادان، همانطور که کارگزار امور خارجه خوزستان پیش‌بینی کرده بود، محله‌های مسکونی متعلق به شرکت نفت کاملاً از باقی محله‌ها و ساکنین آبادان جدا شد. حصارها، کانال و خیابانهایی که بعداً ساخته شدند، فاصله‌ای میان طبقات مختلف ساکن در این شهر ایجاد کردند. گویی محله‌های شهر ادامه ترتیب و سلسله‌مراتب شغلی در شرکت نفت بود. هر محله به گروهی از مستخدمین و کارکنان تعلق داشت (مجلس شورای ملی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳).

اما در طراحی آبادان جدید؛ معماری منازل کارگری به جای اینکه از خاستگاه عشایری و روستایی کارگران برگرفته باشد، از شهرک‌های صنعتی استعماری^۵ الگو گرفته بود. هم‌جواری منازل، حیاطهای بسیار کوچک و دیوارهای بلند مانع از جریان آزاد هوا، به‌ویژه هوای شرجی و جانفرسای تابستان می‌شد. استفاده از مصالح جدید مثل سنگ و آجر و آهن تعدیل نوسانات اقلیمی و فصلی را نداشت و از طرف دیگر منازل را محتاج خدمات نوین مثل پنکه و برق و بخاری و کولر میکرد. (احسانی، ۱۳۷۸)

با مدیریت شرکت نفت بر فضاهای شهری در شرکت‌شهرهای آبادان و مسجدسلیمان، الگوهای بومی و سنتی معماری و شهرسازی ایرانی هم‌چون قهوه‌خانه‌ها، حمام‌های عمومی، کاروانسرا، زورخانه، بازار، مسجد جامع و ارگ آن‌چنان که در دیگر شهرها به چشم می‌آمد، در مسجدسلیمان و آبادان آن روزگار مشاهده نمی‌شد. حضور ایل بختیاری نیز نتوانست فرهنگ ایرانی را در شکل دهی به مسجدسلیمان به عنوان یک شهر ایرانی پیاده کند. شاید به این دلیل که اغلب افراد ایل بختیاری با معماری و شهرسازی بیگانه بوده و به سختی تن به سکونت در مسکن‌های دائمی و یکجانشینی در شرکت‌شهرها داده بودند و تعلق به الگوهای بومی معماری ایرانی نداشتند (تقوایی، معتقدی، ۱۳۹۹). در نقشه‌ای که در سال ۱۳۲۵ از شهر آبادان ترسیم شده است این مهندسی شهری به روشنی به چشم می‌آید. استخرها و زمین گلف و فوتبال و باشگاههای تفریحی و ورزشی و کلوپ و سینما در کنار مدارس و ایستگاههای اتوبوس و کلاسترها و مراکز خرید شباهت بسیار کمی با شهرهای معمول و سنتی در ایران داشت. (پیوست ۲)

۵. نتیجه‌گیری

آنچه روشن است این‌که در طول سال‌های پس از جنگ، شیوع بیماری‌ها در مناطق نفتی جنوب به دلیل گسترده‌گی مهاجرت‌های خارجی به‌ویژه مهاجرت کارگران از هند و بین‌النهرین، فراوانی و تنوع بیشتری داشت. مهم‌ترین و کشنده‌ترین بیماری‌های سال‌های مذکور وبا و طاعون بود که هر دو در اثر عدم دقت در قرنطینه مهاجران و مسافران انگلیسی و هندی شرکت نفت رخ داد. برای پرهیز از فراگیری بیماری هم‌چون وبا و طاعون شهری جدید بنیان گذاشته شد. زندگی در این شرکت- شهرها که بارزترین نمونه‌های مهندسی اجتماعی یک شرکت انگلیسی در ایران بود، سبب تحول و تغییر اساسی در فرهنگ و زندگی ساکنین این شهرها شد. جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت مردم فرودست از نقاط مختلف ایران با فرهنگهای متفاوت به سرزمین نفت، آنان را وادار ساخت تا در کنار دیگر کارکنان اروپایی، آمریکایی و هندی صنعت نفت زندگی کنند. اگر چه شرایط و امکانات هر یک از این گروهها با هم فرق داشت، اما فضای کاری واحد و سکونت در شهری تازه تأسیس و تحت کنترل و مدیریت شرکت نفت، خواه ناخواه آنان را وارد فضای فرهنگی دیگری کرد. فرهنگی که امتزاجی از فرهنگهای مختلف بومی ایرانی و اروپایی و هندی بود. شهری مدرن با فرهنگی التقاطی و فضایی طبقاتی هدیه‌ی صنعت نفت به مردمانی بود که تن به جابه‌جایی داده و در مسیر تحولات این منطقه قرار گرفته بودند.

پیوست



نقشه آبادان قبل از نوسازی شهری

پی‌نوشت‌ها

۱. در گزارش گیل‌مور تفاوت‌هایی با این سند وجود دارد. او به‌جای اهواز از خرمشهر یاد کرده و از تلفات آبادان نیز آماری نداده است. احتمالاً اسناد آرشیو ملی بیشتر محل اعتماد است.
۲. برای آگاهی بیشتر درباره کارگران شرکت نفت نگاه کنید به:

Atabaki; Touraj: International Labor and Working-Class History Volume 84: Crumbling Cultures: Deindustrialization, Class, and Memory, Fall 2013, pp. 159 - 175.

۳. مالیاتی که از صاحبان اسبها و چهارپایان به منظور نظافت خیابانها در شهرها گرفته می‌شد.
۴. طبق اسناد موجود اردبیل، استرآباد، اصفهان، بیرجند، خراسان، رشت، سیستان، قزوین، قم، کردستان، کرمان، تهران، یزد، بوشهر و زنجان از پرداخت این مالیات توسط اتباع خارجه

امتناع شد. اتباع ایرانی نیز به اخذ این مالیات اعتراض داشتند چون نه معابر نظافت می‌شد و نه اوضاع اقتصادی سال‌های جنگ جهانی فرصتی برای پرداخت‌های این‌چنینی می‌گذاشت. علاوه بر آن در مقایسه و رقابت با اتباع خارجی، پرداخت این مالیات را اجحاف می‌دانستند.

۵. «شهرسازی استعماری را میتوان نمونه‌های از این دست الگوها دانست که در کنار جنبه‌های کالبدی مانند ساختار فضایی، فرم، اشکال شهری و الگوهای ساخت و ... معناها و مفاهیمی را نیز پدیدار میکند که نمایش دهنده فرایندهای تفکری نظام استعمار به عنوان عامل قدرت و تسلط است» (King, ۲۰۱۵)

شیوه ارجاع به این مقاله

معتقدی، ربابه. (۱۴۰۰). مهندسی شهری آبادان در کوران بیماری‌های واگیر پس از جنگ اول. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*, 11(1), doi: 10.30465/shc.2021.36716.2231

کتابنامه

احسانی، کاوه (۱۳۷۸). تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت شهرهای خوزستان: نگاهی به تجربه آبادان و مسجد سلیمان. *گفتگو*، شماره ۲۵، پاییز.

الگود، سیریل (۱۳۵۲). تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاویدان. تهران: اقبال.

تقوایی، ویدا، معتقدی، فاطمه، مظهری، محمدابراهیم. (۱۳۹۹). تاثیر تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی و خانه شرکتی آبادان بر سبک زندگی ساکنان (مطالعه موردی: خانه های سنتی و شرکتی آبادان در سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۵۷ شمسی) *هویت شهر*. 10.30495/hoviatsshahr.2020.54588.11823

زندیه، مهدی، حکمت، حسن، مقصودی، امین. (۱۴۰۰). 'مفهوم شهرسازی استعماری در ایران نمونه موردی: آبادان در دوره استعمار نفتی بریتانیا، باغ نظر، ۱۸(۹۸)، pp. ۲۰-۵. doi: ۲۰۲۱.۲۴۲۴۷۸.۴۶۲۴.bagh/۱۰.۲۲۰۳۴

سیاح، حمید (1359) *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. تهران: امیرکبیر.

فلور، ویلم (1398) *سلامت مردم در ایران قاجار*. ترجمه ایرج نبی‌پور. تهران

گیلمور، جان (۱۳۵۴). گزارش بررسی شرایط صحیه در مملکت ایران، ترجمه کیومرث ناصری. رشت: نشر چننه بهورز.

معتقدی، ربابه (۱۳۹۸). *نفت و زندگی*. تهران: انتشارات روابط عمومی وزارت نفت.

۲۹۲ تحقیقات تاریخی اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ناطق، هما (۱۳۵۸). مصیبت وبا و بلای حکومت. تهران: انتشارات گستره.

اسناد مجلس شورای ملی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳

اسناد آرشیو ملی ایران: ۲۴۰۰۰۹۲۵۳؛ ۲۴۰۰۰۳۱۲۴؛ ۲۹۳۰۰۱۴۲۸

اسناد وزارت امور خارجه ایران: ۱۳۳۲GH-۴۳-۵۷-۲۹۶؛ ۱۳۳۴GH-۲۵-۱-۲۵؛ ۱۳۳۲GH-۴۳-۵۷-۱۹۶

Afkhami, Amir: "Compromised Constitutions: The Iranian Experience with the 1918 Influenza Pandemic", Bulletin of the History of Medicine, Volume 77, Number 2, Summer 2003, pp. 367-392.

Ehsani, Kaveh: The Social history of Labor in the Iranian Oil Industry: The Built Environment and the Making of the Industrial Working class (1908-1941), PhD thesis, Leiden University, 2014.

Karimi, P. & Afshar, H. (2017). Abadan: A Case Study in Pseudo Colonial Architecture. Iranology Foundation, Research Department of Art and Architecture.

King, A. D. (2015). Writing the Global City, globalization, Postcolonialism and urban. New York: Rutledge.

Report (Medical and health service) ARC

Atabaki, Touraj, "Writing the Social History of Labor in the Iranian Oil Industry, " pp. International Labor and Working Class History, Fall

A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate from the Earliest Times until the Year repr. with corrections, Amsterdam, Cambridge,

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی